

## نقد و تحلیل کتاب فارسی (ادبیات) پایه هفتم با رویکرد اخلاق مداری و تعلیم و تربیت دانش آموزان در آموزش و پرورش

علی کشوری<sup>۱</sup>، محمد شاه بدیع زاده<sup>۲\*</sup>، جواد مهربان<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

<sup>۲\*</sup> عضو شورای مرکزی کانون دانشگاهیان ایران اسلامی استان خراسان رضوی و مشهد مقدس. (نویسنده مسئول)

<sup>۳</sup> استاد یار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

نویسنده مسئول: Email: [Mohammad.shahBadizadeh@gmail.com](mailto:Mohammad.shahBadizadeh@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۸ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۵

### چکیده

ادبیات فارسی با گنجینه بزرگی که از اشعار و متون منثور در دل خود جای داده است می‌تواند نقش بسیار مؤثری در تعلیم و تربیت دانش‌آموزان ایفا کند. دانش‌آموزان با خواندن اشعار شاعران و متون منثور اخلاقی و تربیتی به دلیل شیرینی و لطافت بیان این آثار، بسیار با آن مأنوس می‌شوند و درس‌ها و پیام‌های اخلاقی که در قالب شعر و نثر فرا می‌گیرند در حافظه آنان نقش می‌بندد؛ و موجب می‌شود تا در زندگی کنونی و نیز در آینده از آن بهره‌مند گردند. بدون شک تألیف درست و جامع کتاب ادبیات می‌تواند نقش بسزایی در تعلیم و تربیت دانش‌آموزان ایفا نماید. مقاله پیش رو که به شیوه توصیفی-تحلیلی بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای و روش سندکاوی صورت گرفته است در پی آن است تا با مروری اجمالی به پیشینه تعلیم و تربیت در متون ادبیات تعلیمی کهن زبان فارسی، به نقد و واکاوی این مضامین در کتاب فارسی دوره اول متوسطه پایه هفتم بپردازد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که در کتاب فارسی هفتم جای اشعار شاعران و متون منثور نویسندگان بسیاری در آن خالی است و کمبود اشعار شاعران مختلف در آن احساس می‌شود. نکته دیگر این است که در فصل نام‌ها و یادها بهتر بود به جای پرداختن به زندگی اشخاص سیاسی و اجتماعی به معرفی شاعران و نویسندگان سرشناس ادب پارسی پرداخته می‌شد تا دانش‌آموزان با آن‌ها بیشتر آشنا گردند.

**کلیدواژه:** ادبیات فارسی. اخلاق مداری. کتب فارسی دوره اول متوسطه. متون تعلیمی. نقد و تحلیل.

### ۱. مقدمه

از آنجا که بشر ذاتاً تمایلی ندارد به‌طور مستقیم و آمرانه مورد پند و اندرز قرار گیرد اینجاست که ارزش شعر در زمینه تعلیم و تربیت آشکار می‌شود، چرا که در متون ادبی و مخصوصاً شعر، شاعر مستقیماً و به صورت آمرانه به پند و اندرز نمی‌پردازد بلکه تعالیم اخلاقی و تربیتی خود را در ضمن سخنان عاطفه‌انگیز و احساسات خود بیان می‌کند (رستگار فسایی، ۱۳۷۲: ۴۰۸).

آموزه‌های اخلاقی از دیرباز یکی از مضامین پرتکرار در شعر فارسی بوده است؛ تا جایی که حتی اولین شاعران تاریخ شعر فارسی همچون رودکی به این آموزه‌ها توجه ویژه داشته‌اند. بدون تردید، توجه به اخلاق و حسن و قبح اعمال بعد از ورود دین اسلام به ایران پررنگ‌تر شد و شاعران به نشر و تشریح مضامین اخلاقی و انسانی اسلامی و قرآنی همت گماشتند. علاوه بر این، ورود عرفان به شعر در قرن ششم پیش از پیش بر وجهه دینی اشعار شاعران افزود و آرمانشهر اخلاقی شاعران بر پایه اسلام و عرفان اسلامی تکوین یافت. در کل می‌توان گفت که در ادبیات فارسی بسیاری از شاعران ما به حوزه اخلاق گرای گرایش داشته و به عنوان شاعر اخلاق‌گرا مطرح بوده‌اند. در این بین به نظر می‌رسد باید اهمیت بیشتری برای مقوله اخلاق و گنجاندن مطالب مرتبط با آن در کتب درسی ادبیات قائل شد تا بلکه مردم برای فرزندانشان به جای مال، مدنیت و اخلاق به ارث بگذارند. در این جستار کوتاه برآنیم با تکیه بر درونمایه غنی ادبیات تعلیمی در زبان فارسی به تحلیل و واکاوی کتاب فارسی دوره اول متوسطه در پایه هفتم بپردازیم. تا مشخص نماییم انعکاس ادبیات تعلیمی در این کتاب به چه صورت بوده است و ارزیابی میزان موفقیت این کتاب در انتقال مضامین تعلیمی ادبیات کهن ایران زمین به دانش‌آموزان تا چه حد موفق بوده است.

## ۲. بیان مساله

هر جامعه‌ای بر اساس نظام ارزشی حاکم بر آن در صدد تعلیم و تربیت افرادی است که آرمان‌های خود را در وجود آن متبلور سازد. اخلاق که یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین اصول زندگی انسان در تعامل او با دیگران است و از پیدایش شعر پارسی تا عصر معاصر در ادبیات منظوم و منثور این سرزمین به آن پرداخته شده است تا چه میزان در انتقال این مفاهیم به دانش‌آموزان از طریق کتابهای ادبیات موفق بوده است؟

## ۳. سؤال‌های پژوهش

- محتوای کتاب فارسی پایه هفتم از نظر کارآمدی ادبیات و خصوصاً نوع تعلیمی آن و رویکرد اخلاق مدارانه چگونه است؟
- کتاب فارسی پایه هفتم از تا چه اندازه با روح و روان نوجوانان قرین بوده و به چه میزان بار اخلاقی و تربیتی را برای دانش‌آموزان به دوش می‌کشد؟

## ۴. فرضیه‌های تحقیق

۱. با توجه به غنای مطالب اخلاقی و تربیتی در ادبیات تعلیمی محتوای کتاب فارسی پایه هفتم رویکرد اخلاق مدارانه کاربردی و بهتری می‌توانست داشته باشد.
۲. به نظر می‌رسد محتوای کتاب ۶۰ درصد نیاز مخاطب و دانش‌آموز خود را به جهت تربیتی و اخلاقی به دوش می‌کشد.

## ۵. پیشینه پژوهش

در باب نقد و تحلیل پیرامون کتاب فارسی پایه هفتم از منظر اخلاقی و تربیتی برای دانش‌آموزان پژوهش‌های چندانی صورت نگرفته است و مقالات محدودی در همایش‌ها و نشریه‌های علمی در حوزه زبان و ادبیات ارائه شده است که عبارتند از:

۱-۳- خانم گلپاری سرگروه ادبیات ناحیه ۳ تهران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای کوتاه به بررسی ساختاری و محتوایی فارسی هفتم در دوره متوسطه اول پرداخته و به این نتیجه رسیده است که محتوا با اهداف آموزشی هماهنگی و انسجام دارد زیرا دانش‌آموز می‌تواند با برخی از چهره‌های ادبی و طرز فکر سبک و سیاق آنها آشنا گردد. همچنین با دستور زبان و آرایه‌های ادبی نیز آشنا می‌شود اما در ادامه کتاب حاضر را نیازمند بازنگری و بازنویسی دانسته تا بیش از پیش نارسایی‌ها و نواقص را مرتفع گردد و موجب تقویت زبان فارسی و بهبود در روند تدریس و یادگیری شود.

۲-۳- المیرا شاهان (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی ادبیات در کتاب فارسی پایه هفتم» با جمع‌آوری نظر دبیران، شاعران و نویسندگان و داستان‌نویسان درباره محتوای کتاب به این نتیجه رسیده است که کتاب فارسی پایه هفتم نیازمند بازبینی مجدد و قرابت روحی بیشتری با نوجوان امروز است. هرچند برخی از آثار منظوم و منثور کتاب با روحیات نوجوان تناسب دارد اما فضای پایداری و مقاومت، آن هم در قالب زندگینامه صرف و بدون حضور آثار خوب منظوم و منثور، دانش‌آموز را از کتاب فارسی دل‌زده می‌کند.

۳-۳- آزاده کیانی ده کیانی (۱۴۰۲) نیز در مقاله‌ای کنفرانسی با عنوان بررسی دروس کتاب فارسی پایه هفتم در پنجمین همایش ملی پژوهش‌های حرفه‌ای در مقایسه این کتاب با کتاب قبلی، بیان می‌دارد که با جایجایی و تغییر نام فصول و حذف سرزمین من مواجهیم و در انتخاب درسها، تنها یک حکایت، با کتاب پیشین مشترک است و به عبارتی می‌توان گفت کتاب سال دوم راهنمایی، بیش از هر کتابی به کتاب سال دوم دوره اول متوسطه یعنی فارسی هشتم شباهت دارد و بعضی از اشعار و داستان‌ها عیناً به کتاب هشتم منتقل شده است و در ادامه کتاب را نیازمند بازنگری می‌داند.

## ۶. اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

با توجه به اهمیت دروس اخلاقی در نظام تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان و غنای فرهنگی متون کلاسیک ادبیات فارسی در این زمینه در مقاله پیش رو برآنیم تا به بحث و بررسی نمود مسائل اخلاقی و تربیتی در کتاب درسی فارسی هفتم مقطع متوسطه اول بپردازیم؛ از آنجا که خلا پژوهش‌های مرتبط با موضوع پیش رو بصورت نقادانه و عالمانه احساس می‌شد نگارنده برآن شد تا با در نظر گرفتن این ضرورت به موضوع مورد بحث در این جستار بپردازد.

## ۷. جنبه جدید بودن و نوآوری در تحقیق

نظام آموزش و پرورش به حق یکی از بزرگ‌ترین و پیچیده‌ترین ابداعات و صناعات بشری محسوب می‌گردد و سنگ زیر بنای توسعه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هر جامعه است و امروزه در هر کشوری سرمایه‌های فراوانی جهت آموزش دانش‌آموزان و دانشجویان که با ارزشمندترین ذخائر ملت‌ها محسوب می‌شوند هزینه می‌شود. بررسی عوامل پیشرفت و ترقی در جوامع پیشرفته نشان می‌دهد که همه این کشورها از آموزش و پرورش توانمند و کارآمد برخوردار بوده‌اند. نگاهی به تاریخ ملل نیز بیان‌کننده این واقعیت است که دوران شکوفایی و درخشیدن آنها با رشد و پویایی نظام‌های آموزشی مقارن بوده است و بدون تردید این پیشرفت حاصل اعتقاد و توجه به آموزش دیگران و میل به آموختن بوده است که محصول مستقیم آموزش و پرورش است. در این بین ادبیات و خصوصاً نوع تعلیمی آن منبعی با ارزش برای یادگیری مهارت‌ها و کسب آگاهی و القاء مفاهیم ارزشمندی چون مکارم اخلاقی، ارتباط اجتماعی، وجدان کاری و ... به صورت غیرمستقیم و با تأثیرگذاری بیشتری خواهد بود. این پژوهش بر آن است تا جایگاه ادبیات و خصوصاً نوع تعلیمی آن را به عنوان یک پدیده فرهنگی در کتب درسی مقطع متوسطه اول مشخص کند.

## ۸. اهداف مشخص تحقیق

۱. توجه به میزان کارآمدی ادبیات و خصوصاً نوع تعلیمی آن به عنوان وسیله‌ای برای ارضای نیازهای روحی-روانی نوجوانان در کتب ادبیات
۲. بررسی میزان موفقیت ادبیات تعلیمی منعکس شده در کتاب درسی ادبیات هفتم دوره متوسطه اول جهت انتقال حقایق و تجارب زندگی.

## ۹. بحث اصلی

به نظر می‌رسد باید اهمیت بیشتری برای مقوله اخلاق و گنجاندن مطالب مرتبط با آن در کتب درسی ادبیات قائل شد تا بلکه مردم برای فرزندان‌شان به جای مال، مدنیت و اخلاق به ارث بگذارند.

### ۹-۱. تعریف اخلاق

کلمه اخلاق، جمع "خلق" و "خُلُق" است و بیشتر به صورت جمع به کار می‌رود. کلمه خُلُق دو بار در قرآن مجید به کار رفته است: *إِن هَذَا إِلَّا خُلُقُ الْأَوَّلِينَ* (شعرا: ۱۳۷) *وَأَتَكَ لَعَلِّي خُلُقِي عَظِيمٍ* (قلم: ۴). کلمه خُلُق از ماده "خلقت" به معنی صفاتی است که از انسان جدا نمی‌شود و همچون خلقت و آفرینش انسان می‌گردد. معادل کلمه "خلق" در زبان فارسی، واژه "خوی" است.

علم اخلاق علم چگونه زیستن است که بر مبنای قواعدی، رفتار انسان برای نیل به کمال و سعادت توجیه می‌گردد و نیک و بد و خیر و شرها و بایدها و نبایدها شناخته می‌شود. در واقع می‌توان گفت که اخلاق علمی است که در سراسر گیتی بدان توجه خاصی می‌شود، به این معنی که عمل به تمام فضایل اخلاقی همچون جوانمردی، عدالت و برابری، گرایش به راستی و درستی و کمک به دیگران و... و نیز دوری از بدی‌ها و رذایل اخلاقی همچون پرهیز از ظلم و ستم در حق دیگران، دروغگویی، ناجوانمردی، نابرابری و بیداد در حق هموعان را در بر می‌گیرد. جدای از دین، اخلاق نوعی فعل بشری است که خود به خود و بالذات گرایش به سوی فضیلت‌هاست و باید بیان کرد که گرایش به اخلاق نیکو و پرهیز از اخلاق رذیله و ناپسند در نهاد هر انسانی نهفته است. تعاریفات ذیل نیز برای اخلاق گفته شده است: «انسانیت، حرکت به سوی خیر و اجتناب از شر، انجام تکالیف، انصاف با فضایل و دوری از تباه‌کاری‌ها، حرکت با قطب نمای وجدان، تعدیل غرایز و... در این تعاریفات چنان‌که ملاحظه می‌شود، جهتی از جهات اخلاق به معنای حقیقی آن راه، معرفی می‌نماید و در واقع رنگ عینک‌های متفاوتی را که بر چشم محققین زده شده است، نشان می‌دهد» (جعفری، ۱۳۵۴: ۶۴). علامه طباطبایی در تعریف علم اخلاق می‌فرماید: «فنی که درباره ملکات انسانی بحث می‌کند؛ ملکاتی که مربوط به قوای نباتی و حیوانی و انسانی اوست و هدف این بحث این است که فضایل را از رذایل جدا سازد؛ یعنی این علم می‌خواهد معلوم کند که کدام یک از ملک نفسانی انسان، خوب و مایه کمال و فضیلت اوست و چه ملکاتی، بد و رذیله و مایه نقض اوست تا آدمی بعد از شناسایی آن‌ها خود را با فضایل آراسته سازد و از رذایل فاصله گیرد» (طباطبایی، ۱۳۶۷: ۱ / ۳۶۸).

## ۲-۹. ماهیت تربیت

تربیت «در لغت به معنی نشو و نما دادن، زیاد کردن، برکشیدن و مرغوب و قیمتی ساختن است، در این معنی اخیر، تربیت از حد افراط و تفریط بیرون آوردن و به حد اعتدال سوق دادن می‌باشد» (شکوهی، ۱۳۷۸: ۲). تربیت معانی و مفاهیم گوناگونی دارد که برحسب موارد مختلف می‌توان بدان‌ها استناد کرد. «یک تعریف عمومی ولی قابل توجه از راغب اصفهانی نقل شده است که باید حتماً برای شناخت اصیل‌ترین عنصر تربیت مورد توجه قرار گیرد. او می‌گوید کلمه رب در اصل از ماده تربیت است و آن عبارت است از ایجاد شیء برای حالی پس از حالی تا حد تمام و کمال» (جعفری، ۱۳۵۴: ۵۹). دو نکته اساسی در تعریف فوق وجود دارد: ۱- کیفیت و حالاتی که در اثر تربیت در انسان به وجود می‌آید و سابقه وجودی قبلی ندارند؛ ۲- اثر تربیت به تدریج ظاهر می‌شود. تعریف تربیت از دیدگاه جامعه‌شناسی نیز قابل تأمل است: «به عقیده جامعه‌شناسان، تربیت کوششی است که هر جامعه برای تأمین نظارت و تسلط خود بر فرد به عمل می‌آورد» (همان: ۱۰۶). جولز سیمون می‌گوید: «تربیت طریقه‌ای است که عقل به وسیله آن، عقل دیگر و قلب، قلب دیگری می‌شود؛ کانت نیز راجع به تربیت معتقد است تربیت این است که انسان را به کمال ممکن برسانیم و هدف همین است» (همان: ۸۵).

ابن‌منظور در تعریف تربیت آورده است که «تربیت از کلمه «رب» به معنی مالک، سید و مربی اشتقاق می‌یابد و این‌گونه معنی می‌شود: انجام وظیفه کردن به شیوه نیکو و پسندیده «رَبِّ وَاوَلَدَهُ وَ الصَّبِيَّ رَبَّهٖ رَبًّا» یعنی کودک خود را نیکو تربیت کرد و برای او به نحو شایسته انجام وظیفه نمود» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ هـ: ج ۱/ ۳۹۹). در واقع تربیت به معنای این است که شخص موردنظر را از نظر گفتار و رفتار مناسب و روح و اخلاق، نیکو پرورش داد به گونه‌ای که وسیله نیل او به سعادت دنیوی و اخروی شود و به کمال برسد. در آیه ۲۴ سوره اسرا در مورد تربیت آمده است که: «وَ اٰخِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلٰلِ مِنَ الرَّحْمٰةِ وَقُلْ رَبِّ اَرْحَمُهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِیْ صَغِيْرًا» (اسرا: ۲۴) یعنی برای پدر و مادر خویش از درگاه خداوند در زمان حیاتشان طلب مغفرت و رحمت بنما، پاداش آن چه تو را در کودکی تربیت نموده‌اند (طبرسی، ۱۴۱۵ هـ: ۲۴۱). از این آیه استنباط می‌گردد که پاداش پدر و مادر برای تربیت فرزند از اهمیت فراوانی برخوردار است که موجب بخشیدن گناهان آن دو می‌گردد. بنابراین تربیت و پرورش در اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد و این نوع تربیت کودک است که زمانی که رشد می‌کند و وارد اجتماع می‌گردد مشخص می‌سازد که آن طفل به چه انسانی بدل می‌شود. تربیت درست و با اصول و قواعد الهی و انسانی موجب می‌گردد تا آن طفل نابالغ به انسانی دارای کمال و فضیلت تبدیل شود و یا اینکه تربیت و رشد و نمو نادرست موجب می‌گردد تا طفل صغیر و بی‌گناه به انسانی با اخلاق رذیله و پست و به اصطلاح حیوان صفت مبدل گردد. بنابراین تربیت صحیح نقش بسیار اساسی در رشد و نمو و چگونگی شکل‌گیری شخصیت یک فرد دارد. در این میان نقش آموزش و پرورش در تربیت و پرورش کودکان و نوجوانان در مدارس به کمک برنامه‌های مختلف آموزشی و تدوین کتب درسی متناسب با تربیت اسلامی انسانی بسیار بااهمیت خواهد بود.

## ۳-۹. تربیت و اخلاق

تربیت و اخلاق از دیرباز همواره به همراه یکدیگر به کار برده می‌شوند و این دو رابطه همسانی با یکدیگر دارند اخلاق به خودی خود تربیت می‌آورد و انسان‌های با اخلاق پسندیده همواره الگو و آسوه تربیت برای دیگران بوده‌اند. غزالی در رابطه با تربیت و اخلاق چنین بیان می‌نماید: «معنی تربیت این است که مربی، اخلاق بد را از آدمی بازستاند و به دور اندازد و اخلاق نیکو جای آن بنهد» (غزالی، ۱۳۹۳: ۵۲ - ۵۳).

در واقع باید بیان کرد که اخلاق پسندیده همراه با تربیت درست است و فضیلت‌های اخلاقی چون عدالت، بخشنده‌گی، رادمردی، کمک به هم‌نوع، پاکدامنی و... خود مهد تربیت درست هستند. «انسان در پرتو تربیت اخلاقی از رذایل و صفات نکوهیده می‌رهد و به فضایل و خصلت‌های ستوده آراسته می‌گردد، فضایل با تکرار اعمال شایسته به تدریج در نفس رسوخ یافته، و به این ترتیب از نفس افعال نیکو سر می‌زند و آن از انحطاط و پستی رهایی یافته و رو به سوی تعالی می‌نهد» (بهشتی و دیگران، ۱۳۹۱: ۴۴). از طرفی از طریق تربیت درست و صحیح است که انسان‌های با فضیلت اخلاقی پرورش می‌یابند و نیز تربیت ناپسند است که موجب بروز رذیله‌های اخلاقی در انسان‌ها می‌گردد «تربیت صنعتی است که از طریق آن مدارج عالی انسانی فراهم می‌آید و پست‌ترین مراتب انسانی به کاملترین رتبه خود می‌رسند» (طوسی، ۱۳۷۳: ۱۰۷).

## ۴-۹. تفاوت اخلاق و تربیت

مطهری در مورد تفاوت تربیت و اخلاق بیان نموده است که «با این که اخلاق نوعی تربیت و به معنای کسب خلق و خوی نیکوست، با این حال تفاوتی نیز با تربیت دارد؛ زیرا تربیت به معنای مطلق ساخت و پروردن است و فرقی نمی‌کند که تربیت چگونه و به چه منظوری انجام گیرد. بدین معنا که در مفهوم تربیت، قداست نخواهیید تا بگوییم مرتبی را برای دریافت خصوصیات انسانی، به روش خاصی پرورش دهد. از این رو تربیت انسان، حیوان، انسان شایسته و خلافکار فرق ندارد و همه تربیت است» (مطهری، ۱۳۶۷: ۹۵). «اما در مفهوم اخلاق، قداستی نهفته است که نمی‌توان آن را در مورد حیوان به کار برد و

فقط در انسان به کار می‌رود بر این اساس، تفاوت دوم اخلاق و تربیت قداست و عدم قداست آن دوست که فن تربیت تابع غرض است و مربی هرگونه بخواهد می‌تواند متری را همان‌گونه تربیت کند؛ ولی اخلاق امری است که تابع غرض نیست؛ بلکه مفهوم آن حاوی قداست است و باید معیار قداست را به دست آورد» (همان: ۹۹).

مطهری در تفاوت میان اخلاق و تربیت، اخلاق را از صفات مختص به انسان دانسته است ایشان بیان داشته است که اخلاق صفتی حیوانی نیست و در مورد حیوان کاربرد ندارد. و در تفاوت دیگر مابین اخلاق و تربیت، قداست اخلاق را بیان نموده است اینکه اخلاق دارای قداست است اما تربیت قداستی ندارد و در مورد همه اعم از انسان یا حیوان و کسی دارای فضیلت اخلاقی یا رذیله اخلاقی به کار می‌رود. باید گفت که «اگر اخلاق را که صفات نفسانی و اعمال و رفتار عالی انسانی است، در جهت صحیح و مثبت لحاظ کنیم اخلاق در این معنا یکی از ثمرات بلکه مهم‌ترین ثمره تربیت است. بر این اساس؛ تربیت فعلی است که اخلاق حاصل آن است، اگرچه تمامی آن نیست؛ زیرا پرورش استعدادها، فکری و ذهنی و ذوقی و غیره که همگی در دایره تربیت و از موضوعات آن هستند، به جهت اینکه به‌طور مستقیم با ملکات نفسانی و خصوصیات اخلاقی مرتبط نیستند جزء اخلاق محسوب نمی‌گردند؛ مثلاً پرورش حافظه و قدرت استنتاج و استعدادهای هنری و ذوقی اگرچه در محدوده تربیت قرار می‌گیرند ولی چون مستقیماً با صفات اخلاقی مرتبط نیستند جزء اخلاق محسوب نمی‌گردند» (دهقان، ۱۳۷۹: ۴۲).

## ۹-۵. آموزش و پرورش

آموزش در لغت به معنای یاد دادن و آموختن است چنانچه در لغت‌نامه دهخدا آمده است «آموزش اسم مصدر از آموختن و عمل آموختن» (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه) معنا شده است. در دانشنامه عمومی در مورد واژه آموزش آمده است که: «آموزش فرایند تسهیل یادگیری، یا کسب دانش، مهارت، ارزش، اخلاق، اعتقادات و عادت‌هاست. روش‌های آموزش شامل تدریس، آموزش عملی، داستان‌گویی، بحث و پژوهش هدایت شده است. آموزش غالباً تحت راهنمایی مربیان انجام می‌شود. اما فراگیران می‌توانند خود را نیز آموزش دهند. آموزش می‌تواند در شرایط رسمی یا غیر رسمی انجام شود و هر تجربه‌ای که تأثیر شکل‌دهی به نحوه اندیشه، احساس یا عمل فرد داشته باشد، می‌تواند نوعی آموزش تلقی شود» (حلبی، ۱۳۶۶: ذیل واژه). بر اساس تعریف حلبی از آموزش می‌توان این نکته را در نظر داشت که آموزش به خودی خود بد نیست اما چگونه آموزش دادن و توسط چه کسی آموزش دیدن بسیار مهم و بااهمیت است چرا که ممکن است آموزشی غیر تربیتی و ناپسندیده باشد و یا آموزشی پسندیده و دارای اصول و قواعد تربیت انسانی باشد. بنابراین آموزشی اهمیت دارد که قواعد و اصول انسانی و دینی و الهی را مدنظر داشته باشد.

باید بیان داشت که آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان از اهمیت بالایی برخوردار است چرا که زمانی که فرد در سنین پایین قرار دارد می‌توان او را به هر صورت و با هر عقیده‌ای به‌درستی و پسندیده پرورش داد تا انسانی با کمالات و اخلاق پسندیده برای جامعه بشری باشد به‌گونه‌ای که از او زبانی متوجه انسان‌های دیگر نشود و نیز برای هموعان خود مفید فایده باشد و بتواند در جامعه به‌درستی و با اخلاقیات نیکو زیست کند و کردار و رفتار درستی با دیگران را دارا باشد.

## ۹-۶. ادبیات

در لغت‌نامه دهخدا ذیل واژه ادبیات اینگونه آمده است: «دانش‌های متعلق به ادب، علوم ادبی، آثار ادبی» (معین، ۱۳۸۶: ذیل واژه). در فرهنگ عمید آمده است: «۱. مجموعه آثار مکتوب منظوم یا منثور که بیانگر عواطف است. ۲. علمی که مربوط به ادب باشد و درباره مسائل ادبی گفتگو کند» (همان: ذیل واژه). در دانشنامه اسلامی در مورد ادبیات آمده است که: «از گذشته‌های بسیار دور، زمانی که انسان، با پدیده‌های ناشناخته و عجیب روبه‌رو می‌شد. به‌دنبال چاره‌ای بود تا راهی برای آرامش روح و رفع نیاز فطری خود به معنویت (ارتباط با آسمان و غیب) و زیبایی (درونی و بیرونی) بیابد، تا اینکه به‌تدریج آموخت که از طریق آیین‌های پرستش و با توسل به صوت و کلام و آواهای موزون و ادبیات منظوم (آهنگین)، می‌تواند به مقصود خود برسد» (همان).

در واقع می‌توان گفت که به مجموعه آثار منظوم و منثور شاعران و نویسندگان یک سرزمین در طول تاریخ آن ملت، ادبیات گفته می‌شود. آثاری که با زبانی ادبی و زیبایی‌شناسانه بیان گردیده‌اند. شاعر یا نویسنده با استفاده از تخیل و عاطفه و تجربه زندگی خود، شعر یا متنی را نگاشته است که موجب لذت عاطفی و شگفتی خواننده می‌گردد. هنرمند با یاری گرفتن از زبان است که اثر هنری، ادبی و شگفت‌انگیز خود را می‌آفریند و به آن عاطفه و تخیل می‌بخشد. یک اثر ادبی بیانگر شادی‌ها، رنج‌ها، ناکامی‌ها و آرمان‌ها و آرزوهای صاحب اثر است که می‌تواند در مورد زندگی بسیاری از انسان‌ها صدق کند. نویسنده با زبانی هنری و نیز بیانی تأثیرگذار به آفرینش اثر ادبی خود می‌پردازد به‌گونه‌ای که خواننده با خواندن آن شگفت‌زده می‌شود و با آن داستان‌ها و حکایات و یا افسانه‌ها همدردی می‌کند و از آن‌ها درس می‌گیرد و آن مفاهیم و فضایل اخلاقی را سرلوحه زندگی خود قرار می‌دهد. هر ملتی ادبیات خاص

خود را دارد و ادبیات هر ملّتی بیانگر فرهنگ، هنر و تمدن آن ملّت است ادبیات همه ملّت‌ها کلامی منظوم و یا منثور است. باید بیان نمود که اساسی‌ترین موضوعات در ملّت‌های گوناگون در ادبیات و آثار ادبی آن‌ها بیان می‌گردد. ادبیات فارسی یکی از تأثیرگذارترین متون در زمینه اخلاق و تربیت انسانی است. شعر و نثر کهن فارسی مهد ارزش‌های والای اخلاقی و تربیتی انسانی است که وجود هر فضیلت‌جو و ادبیات دوستی را روشنی می‌بخشد. ادبیات فارسی سرشار از اشعار و حکایاتی است که گرایش به خوبی‌ها نظیر راستی و درستی، صبر و بردباری، جوانمردی و عدالت، دعوت به شجاعت و استواری و رعایت اخلاق را سفارش می‌کند. دعوت و گرویدن به فضایل اخلاقی و نیکی‌ها و نیز پرهیز و دوری جستن از بدی‌ها همواره از موضوعات مهم و اساسی بیشتر آثار منظوم و منثور ادبیات فارسی بوده است و می‌توان بیان داشت که «ادبیات به‌عنوان ابزاری در خدمت اخلاق و مسائل اخلاقی قرار داشته و از جمله وظایفی که تاکنون به عهده داشته است پند و اندرز گویی است که جزئی جدایی‌ناپذیر از ادبیات بوده است» (موحد، ۱۳۷۳: ۲۴).

#### ۷-۹. روش‌های تعلیم و تربیت در ادبیات

تعلیم و تربیت در ادبیات فارسی به روش‌های گوناگونی بیان شده است هر یک از شاعران زبان و ادبیات فارسی در میان اشعار و متون خود نکات بارز تربیتی و اخلاقی را ذکر نموده‌اند که موضوعات متنوعی را در برمی‌گیرد. شاعرانی چون سنایی، سعدی، نظامی، مولانا، صائب تبریزی و پروین اعتصامی و... و نویسندگانی چون سعدی در گلستان، خواجه عبدالله انصاری در مناجات‌نامه، عطار در الهی‌نامه و منطق‌الطیر و عنصرالمعالی در قابوس‌نامه، نصرالله منشی در کلیله و دمنه و... هریک پندهای اخلاقی و تربیتی ارزشمندی را به مخاطبان خود در طول تاریخ هدیه نموده‌اند که تا روزگار باقی است برای آیندگان این سرزمین درس تربیت و اخلاق به ارمغان می‌آورد.

#### ۸-۹. حوزه اخلاق و تربیت در آموزش و پرورش

به باور بسیاری از کارشناسان و فعالان حوزه تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش، تغییرات و تحولات قرن بیستم آن‌چنان پرشتاب و فزاینده بوده است که احساس می‌شود با کمترین برنامه‌ریزی و آمادگی برای مواجه شدن با قرن بیست و یکم آغاز گردید که این تحولات به رودخانه‌ای شباهت دارد که هنگام طغیان سیلاب‌هایش ویرانگر می‌شود ولی چنانچه پیش از آن برای جلوگیری از خطرات احتمالی برنامه‌ریزی و اقدام لازم به عمل آید طغیان آب رودخانه نه تنها زبانی به بار نمی‌آورد، بلکه می‌توان از نیروی آن برای سازندگی استفاده کرد.

در دو دهه اخیر و با پیشرفت سریع تکنولوژی و فناوری‌های دیجیتال، نظام‌های آموزشی و پرورشی جهان نیز دچار دگرگونی‌های عمیق و گسترده‌ای گردید که فعالیت‌های بشر را تحت تأثیر قرار داده و آینده را به گونه‌ای غیرقابل بازگشت شکل داده است. در کنار این پیشرفت‌ها و انفجار علمی و اطلاعاتی مسئله‌ای که مغفول مانده و به نوبه خود نگران‌کننده است و عدم توجه به آن خسران مضاعف در بردار مسئله اخلاق و اخلاق‌مداری انسان‌ها و مخصوصاً قشر متعلّم و آینده‌ساز مانند دانش‌آموزان و دانشجویان یک جامعه است زیرا از یک‌سو، گسترش و رشد و توسعه بی‌بندوباری و شبکه‌های غیراخلاقی و از سوی دیگر گسترش فقر فرهنگی و عدم استفاده صحیح از فناوری‌های دیجیتال و تکنولوژی در بسیاری از قشر نوجوان و جوان (خصوصاً در دو سال گذشته که تمام آموزش‌ها به دلیل شرایط کرونا مجازی بوده و نیازمند مقاله دیگری در این زمینه می‌باشد) که خود ناشی از سوء برنامه‌ریزی است به پدیده افول اخلاقی در بین دانش‌آموزان و دانشجویان دامن زده است. به‌رحال به منظور برنامه‌ریزی به جهت رشد اخلاقی برای آینده باید پذیرای نگرشی متناسب با آن باشیم و راه‌هایی که به آینده امیدوارکننده‌ای در این زمینه منتهی می‌شوند یافتنی نیستند، بلکه ساختنی‌اند و ساختن آنها تحولات مفید و ارزنده‌ای به ارمغان خواهد آورد. تا چندی پیش ادبیات در مدارس به عنوان ابزاری آموزشی کاربرد چندانی نداشت اما امروزه علم تعلیم و تربیت، ارزش ویژه‌ای برای ادبیات قائل است (دوگه، ۱۳۸۳: ۶۷-۶۵).

#### ۱۰- نقد و بررسی مضامین تعلیمی در کتاب فارسی پایه هفتم دوره اول متوسطه

کتاب فارسی هفتم متشکل از هفت فصل است؛ با عناوین فصل اول «زیبایی آفرینش»، فصل دوم «شکفتن»، فصل سوم «سبک زندگی»، فصل چهارم «نام‌ها و یادها»، فصل پنجم «اسلام و انقلاب اسلامی»، و فصل ششم «ادبیات جهان» و دو فصل آزاد با مضمون ادبیات بومی است. به‌طور کلی در فارسی هفتم در خصوص شعر و نظم ۸ شعر آورده شده است که ۴ شعر مربوط به ادبیات کهن و ۴ شعر نیز مربوط به ادبیات معاصر است و ۶ شعر نیز در میانه درس‌ها بیان شده است. از نظر بیان متون منثور نیز در این کتاب ۲۸ نثر در آن ذکر شده است که ۹ نثر مربوط به زندگی‌نامه است و ۸ نثر آن مربوط به داستان معاصر است که دو اثر ترجمه را در بر می‌گیرد. و ۴ مقاله بیان شده است. ۳ حکایت از ادبیات کهن و ۱ متن سخنرانی ذکر شده و دیگر اینکه ۱

خاطره ۱ یادداشت و ۱ نامه در این کتاب آورده شده است. این مقدار حکایت از ادبیات کهن با آن همه اثر آموزنده از نظر اخلاقی و تربیتی بسیار ناچیز و کم است.

نویسندگان این کتاب می‌توانستند با ذکر حکایت‌هایی دیگر از آثار گرانبهای ادبیات فارسی این کتاب را مزین به حکایت‌های اخلاقی و تربیتی ادب کهن ایران عزیز نمایند تا دانش‌آموزان این مرز و بوم علاوه بر یادگیری نکات اخلاقی و تربیتی ارزشمندی که در این حکایات ذکر شده، بتوانند با آثار منثور ادبیات فارسی و نویسندگان آن‌ها و شیوه نگارش و سبک این کتب به‌عنوان آثار تمدن و فرهنگ ایران عزیزمان آشنا گردند. از دیگر نقدهایی که می‌توان به کتاب وارد کرد این است که همین مقدار متن منثوری نیز که آورده شده است در مواردی نام نویسنده اثر اصلاً ذکر نشده است به‌گونه‌ای که نمی‌توان به‌درستی دریافت که کدام آثار حاصل قلم و توانایی نویسندگان معاصر است و کدام یک را مؤلفان کتاب نوشته‌اند. در حکایت‌هایی که ذکر شده است ذکر اطلاعاتی هر چند اندک از کتاب نویسنده و خود نویسنده ضروری می‌نمود که متأسفانه به آن توجهی نشده است مثلاً در حکایت اندرز پدر از گلستان سعدی در پایان آن فقط به ذکر «گلستان سعدی» اشاره شده است در حالی که می‌توانست در اول حکایت، اطلاعاتی در مورد سعدی و اینکه شاعر چه قرنی است و نیز درباره کتاب ارزشمند گلستان سعدی اطلاعاتی آورده شود تا دانش‌آموز نه به‌صورت گذری بلکه به صورت مهم‌تر و بامفهوم‌تری با این کتاب ارزشمند اخلاقی تربیتی و نویسنده گرانقدر آن آشنا شود. و یا ذکر حکایت چراغ در اواخر کتاب نیز به همیت صورت است در پایان حکایت فقط گذری به نام «بهارستان جامی» اشاره شده و دیگر خبری از اطلاعاتی در مورد خود جامی و نیز اثر گرانبهای او بهارستان نیامده است. بدون شک آشنایی بیشتر و کامل‌تر دانش‌آموز با این آثار تربیتی و اخلاقی که می‌توانند شخصیت آن‌ها را در این اوان نوجوانی بسازند و آن‌ها را با مسائل اخلاقی و تربیتی که لازمه زندگی هر شخصی است قرین کنند ضروری می‌نماید که امید است در طراحی‌های آینده از این کتاب این مسائل را مدنظر قرار دهند؛ تا وجود پاک و گرانقدر نوجوانان سرزمین‌مان با این آثار ارزشمند مأنوس گردد.

نکته‌ای دیگر که باید ذکر نمود این است که این تعداد شعر و نثر ذکر شده در این کتاب برای کتاب ادبیات فارسی به نظر بسیار ناچیز می‌نماید چرا که همان‌طور که از نام کتاب برمی‌آید باید در مورد آثار ادبی گذشته و معاصر باشد. از طرفی اختصاص دادن دو فصل برای ادبیات بومی به نظر صحیح نیست و در نظر گرفتن یک فصل برای ادبیات بومی کفایت می‌نمورد. به این سبب که کتاب ادبیات فارسی فرصتی ویژه برای آموزش نوجوانان از نظر اخلاقی و تربیتی است و آوردن متون اخلاقی و تربیتی از گذشته و نیز از میان آثار معاصر بسیار صحیح به نظر می‌رسد. ادبیات فارسی سرشار از متون منظوم و منثوری است که متناسب با روحیه دانش‌آموزان این پایه است و استفاده از این متون ارزشمند در تعلیم اخلاقی و تربیتی این عزیزان به عنوان مضمون‌هایی ارزشمند برای شکل‌گیری شخصیت و اخلاقیات این نوجوانان واجب به نظر می‌رسد. طراحان این کتاب باید بیش از هر چیز استفاده از متون ادبی را مدنظر قرار می‌دادند؛ و در انتخاب چهره‌های معروف برای معرفی دقت بیشتری می‌نمودند. این بدان معنا نیست که چهره‌های معرفی شده در این کتاب ارزشمند نیستند بلکه می‌خواهیم به این نکته اشاره نماییم که معرفی شاعران و نویسندگان تاریخ ادب فارسی صحیح‌تر بود زیرا دانش‌آموزان باید با شاعران و نویسندگان ادبیات فارسی نظیر فردوسی، سعدی، جامی، نظامی، سنایی، مولانا، سعدالدین وراونی، عنصرالمعالی کیکاووس، نصرالله منشی و... که گنجینه‌هایی همچون شاهنامه، بوستان و گلستان، مرزبان‌نامه، قابوس‌نامه، کلبه و دمنه، پنج گنج نظامی و... را خلق نموده‌اند آشنا شوند.

از ویژگی‌های مهم و بارز این آثار چه در گذشته و چه در آینده نکات اخلاقی و تربیتی است که به مخاطبان خود از هر سنی و از هر قشری تعلیم می‌دهند. کتاب‌های درسی ادبیات فارسی موقعیتی ویژه، برای بیان مطالب اخلاقی و تربیتی از آثار گرانقدر ادبیات فارسی است و انتظار می‌رود که طراحان ادبیات فارسی از آثار ارزشمند این فرهنگ بی‌نظیر برای تربیت و ترویج فضیلت‌های اخلاقی بهره‌گیرند. اکنون ما به بررسی کتاب ادبیات فارسی هفتم و مطالبی تربیتی و اخلاقی که در آن ذکر شده است می‌پردازیم اینکه ذکر مطالب اخلاقی و تربیتی در این کتاب به چه صورتی است؛ و تا چه اندازه بر تربیت و اخلاق دانش‌آموزان تأثیرگذار است. اما همان‌گونه که ذکر شد با نگاهی اجمالی به فصول این کتاب و شعرها و نثرهایی که در آن بیان شده است درک نمودیم که با توجه به وجود آثار اخلاقی و تربیتی ارزشمند ادبیات فارسی که بیشتر آن‌ها متناسب با خلق‌و‌خو و سنین نوجوانان در این مقطع هستند اما متأسفانه آن‌طور که باید از این گنجینه‌های ادبیات فارسی و مطالب تعلیمی آن‌ها در این کتاب استفاده نشده است. اکنون به بررسی مطالبی که از ادبیات فارسی گذشته و نیز ادبیات فارسی معاصر در این کتاب ذکر شده است می‌پردازیم و نکته‌های اخلاقی و تربیتی که در متن شعرها و نثرهای اندکی که در این کتاب آورده شده است می‌پردازیم:

فصل اول فارسی هفتم زیبایی آفرینش نام‌گذاری شده است. در اول کتاب در عنوانی با نام ستایش، شعر «یاد تو» از لیلی و مجنون نظامی گنجه‌ای ذکر شده است. مضمون این شعر ستایش خداوند است. در این شعر نظامی به ستایش پروردگار و نجوای عارفانه با او پرداخته است:

ای نام تو بهترین سرآغاز	بی نام تو، نامه کی کنم باز
ای یاد تو مونس روانم	جز نام تو، نیست بر زبانم
ای کارگشای هر چه هستند	نام تو، کلید هر چه بستند
ای هست کُنِ اساس هستی	کوته ز دَرَت، درازدستی
هم قصهٔ نانموده، دانی	هم نامهٔ نانوشته، خوانی
هم تو، به عنایت الهی	آنجا، قَدَمِ رسان که خواهی
از ظلمتِ خود رهایی ام ده	با نورِ خود آشنایی ام ده

(نظامی، ۱۴۰۲: ۹)

ذکر این شعر با این مضمون زیبا در ابتدای کتاب بسیار هوشمندانه و پسندیده است. زیرا دانش آموز با خواندن این شعر و آشنایی با مفهوم آن بیشتر به پروردگار بی‌همتا نزدیک می‌شود و با ستایش پروردگار و امید به او اُنس می‌گیرد. از طرفی این شعر از نظرواژگان زبانی نیز شعری با واژگان ساده و معانی قابل فهم است و دانش آموز جز یکی دو مورد که آن هم توسط معلم معنا می‌شود به راحتی می‌تواند این شعر را بخواند و با آن ارتباط برقرار کند. با بیان این شعر در اول کتاب دانش آموز از نظر اخلاقی و تربیتی می‌آموزد که همه چیز به پروردگار بی‌همتا وابسته است و یاد و نام او همواره برای انسان‌ها مونس و دوست خواهد بود؛ همه کارگشایی‌ها و کلیدها به دست او باز می‌شود و اساس هستی به او باز می‌گردد. این شعر به زیبایی بیانگر این است که خداوند بی‌همتا از همه چیز و همه کس آگاه است و فقط اوست که می‌تواند انسان‌ها را از ظلمت این دنیا رهایی بخشد. در این شعر نظامی با ستایش پروردگار بی‌همتا اهمیت عبادت را متذکر شده است. عبادت پروردگار نشانهٔ خضوع، خشوع و فروتنی عبادت کننده است «حقیقت عبادت، نهایت خضوع و خشوع در برابر پروردگار است، کسی که لذت خضوع در حضور خدا را درک کند، در برابر خلق خدا نیز متواضع است. از احادیث اسلامی استفاده می‌شود که تواضع شرط قبولی طاعات و عبادت‌هاست. از جمله در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است: تواضع ریشه هر کار نیک و بارزش است و مقام والایی است ... و هر کس برای خدا تواضع کند، خدا او را بر بسیاری از بندگان شرافت می‌بخشد ... و هیچ عبادتی برای خدا مورد قبول نخواهد بود، مگر اینکه باب آن تواضع است» (جعفری، ۱۳۵۴: ۵۲). بر همین اساس دانش آموز با مطالعهٔ این ستایش از نظامی این فضیلهٔ اخلاقی و تربیتی را می‌آموزد که ستایش خداوند موجب رستگاری انسان در دنیا و آخرت است. در پایین همین شعر مناجاتی از کتاب الهی‌نامهٔ خواجه عبدالله انصاری به نثر آمده است:

الهی، دلی ده که در کار تو جان بازیم؛ جانی ده که کار آن جهان سازیم. دانایی ده که از راه نیفتیم، بینایی ده تا در چاه نیفتیم، دست گیر که دستاویز نداریم، توفیق ده، تا در دین استوار شویم، نگاه دار تا پریشان نشویم.

که از خداوند می‌خواهد که در همهٔ امور به انسان‌ها کمک کند و برای همه به گونه‌ای به دعای خیر می‌پردازد. این مناجات نیز با دعای خیر و درخواست نعمت از پروردگار از نظر اخلاقی و تربیتی به دانش آموز تعلیم می‌دهد که همه چیز را باید از پروردگار بی‌همتا خواست و فقط اوست که توفیق هر کاری را به انسان می‌دهد. اول اینکه ذکر این مناجات در این قسمت از کتاب ضروری نبود و بهتر بود که مناجات‌نامه‌ای از خواجه عبدالله در قسمتی مجزا و با ذکر توضیحاتی از خواجه عبدالله انصاری و نیز کتاب‌های ارزشمند او بیان می‌شد در این صورت دانش آموز هم متن بیشتری از کتاب ارزشمند مناجات‌نامه را مطالعه می‌نمود و هم با ذکر تاریخ ادبیاتی مختصر از خواجه عبدالله و آثار او اطلاع حاصل می‌نمود. همان طور که می‌دانیم کتاب‌های خواجه عبدالله انصاری از جمله مناجات‌نامه که مناجات‌های خواجه عبدالله انصاری را در برمی‌گیرد حاوی نکات اخلاقی و تربیتی بیشماری در حین مناجات با پروردگار است. در صفحهٔ فصل اول شعری از گلشن راز شیخ محمود شبستری بیان شده است که با عنوان فصل که «زیبایی آفرینش» نامگذاری شده است بسیار مطابقت دارد و انتخاب آن برای این قسمت بسیار تأثیرگذار است:

جهان جمله فروغ روی حق دان / حق اندر وی ز پیدایی است پنهان (شبستری: ۱۱)

در این بیت از گلشن راز، شیخ محمود شبستری به زیبایی همهٔ جهان را از نور خداوند می‌داند و اینکه همهٔ موجودات هستی نشانه‌ای از وجود بار تعالی هستند. در قرآن آیات بسیاری در مورد تفکر انسان‌ها در جهان خلقت بیان شده است اینکه جهان خلقت همه نشانه‌ای از وجود و قدرت خداوند هستند. در آیه ۳ از سوره جاثیه خداوند می‌فرماید: «إِنَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِلْمُؤْمِنِينَ» (جاثیه: ۳). این شعر از شبستری نکتهٔ اخلاقی شکرگذاری و قدر نعمت‌های پروردگار را دانستن را گوشزد می‌کند و اینکه هر چیزی در این جهان نمایانگر قدرت پروردگار جهان است. درس اول فارسی هفتم «زنگ آفرینش» شعری از قیصرامین پور آورده شده است که قالبی چارپاره دارد:



صبح یک روز نوبهاری بود  
 بچه‌ها در کلاس جنگل سبز  
 بچه‌ها گرم گفت‌وگو بودند  
 هر یکی برگ کوچکی در دست  
 تا معلّم ز گرد راه رسید  
 باز موضوع تازه‌ای داریم  
 شب‌نم از روی برگ گل برخاست  
 ذره ذره به آسمان بروم  
 دانه آرام بر زمین غلتید  
 گفت: باغی بزرگ خواهم شد  
 غنچه هم گفت گرچه دل تنگم  
 بانسیم بهار و بلبل باغ  
 جوجه گنجشک گفت: می‌خواهم  
 روی هر شاخه جیک جیک کنم  
 جوجه کوچک پرستو گفت:  
 تا افق‌های دور کوچ کنم  
 جوجه‌های کبوتران گفتند:  
 توی گلدسته‌های یک گنبد  
 زنگ تفریح را که زنجره زد  
 هر یک از بچه‌ها به‌سویی رفت  
 با خودش زیر لب چنین می‌گفت:  
 کاش روزی به کام خود برسید،  
 روزی از روزهای اول سال  
 جمع بودند دور هم، خوش حال  
 باز هم در کلاس، غوغا بود  
 باز انگار، زنگ انشا بود  
 گفت با چهره‌ای پر از خنده:  
 آرزوی شما در آینده  
 گفت: می‌خواهم آفتاب شوم  
 ابر باشم، دوباره آب شوم  
 رفت و انشای کوچکش را خواند  
 تا ابد سبز سبز خواهم ماند  
 مثل لبخند باز خواهم شد  
 گرم راز و نیاز خواهم شد  
 فارغ از سنگ بچه‌ها باشم  
 در دل آسمان، رها باشم  
 کاش با باد رهسپار شوم!  
 باز پیغمبر بهار شوم  
 کاش می‌شد کنار هم باشیم!  
 روز و شب زائر حرم باشیم!  
 باز هم در کلاس غوغا شد  
 و معلّم دوباره تنها شد  
 آرزوهایشان چه رنگین است  
 بچه‌ها، آرزوی من این است

(امین پور، ۱۴۰۲: ۱۴-۱۲)

این درس برای آموزش درس ادبیات فارسی شروع خوبی است که مضمون آن در مورد آفرینش و زیبایی‌های آن است. در این شعر امین پور به زیبایی از زبان شب‌نم، دانه، غنچه، جوجه گنجشک و جوجه پرستو آرزوی هریک از آن‌ها را بیان نموده است که آرزوی هر کدام از آنها رسیدن به آن چیزی است که پروردگار متعال در نهاد آن‌ها قرار داده است. در واقع این شعر بیانگر این مضمون است که خداوند آفریدگار شب‌نم و غنچه و پرندگان و در کل نعمت‌های بی‌شمار هستی برای انسان‌ها است و قدر نعمت را دانستن و سپاسگزاری از نعمت‌های خداوند وظیفه هر انسانی است.

در بخش حکایت در این کتاب حکایتی با عنوان اندرز پدر از گلستان سعدی ذکر شده است. این حکایت نثری با کلمات نسبتاً سخت و عربی دارد که دانش‌آموز در فهم آن دچار مشکل می‌شود. در این حکایت سعدی به زیبایی مفهوم غیبت نکردن و پشت سر دیگران بد نگفتن را بیان نموده است. بیان این حکایت دانش‌آموزان را به‌خوبی از اخلاق رذیله غیبت کردن باز می‌دارد. غیبت کردن در اسلام از گناهان کبیره است رذیله‌ای اخلاقی که به‌شدت نهی شده است خداوند در آیه ۱۲ از سوره حجرات غیبت کردن را مانند خوردن گوشت برادر مرده توصیف می‌کند. در واقع با غیبت کردن حق الناس ضایع می‌شود. با ذکر این داستان از سعدی در قالب حکایتی از گلستان دانش‌آموزان با اخلاق زشت و ناپسندیده غیبت و بدگویی آشنا می‌شوند. بنابراین این حکایت مضمونی خوب و زیبا دارد اما از نظر واژگان، کلمات و عباراتی سخت در آن به کار برده شده است که ذکر آن برای ادبیات هفتم مناسب به نظر نمی‌آید نگارندگان می‌توانستند به جای این حکایت حکایتی دیگر از گلستان ذکر کنند که کلمات و عبارت ساده‌تری در آن به کار رفته باشد. و نیز مضمون این حکایت با نام فصل یعنی زیبایی آفرینش تناسب ندارد.

درس دوم فارسی هفتم داستانی با عنوان چشمه معرفت از کتاب کویر دکتر علی شریعتی ذکر شده است که مضمون آن متناسب با نام فصل، در مورد آفرینش جهان و نعمت‌هایی گوناگونی چون درختان، گیاهان، چشمه‌ها، سبزه‌زارها که خداوند مهربان برای حس شادابی و زندگی انسان‌ها آفریده است. در پایان همین داستان شعری از سعدی افزوده شده است:

برگ درختان سبز، در نظر هوشیار  
هر ورقش دفتری است معرفت کردگار  
(سعدی: ۲۰)

که به زیبایی این نکته را بیان می‌دارد که برای شناخت پروردگار در آفرینش و جهان هستی باید تأمل و اندیشه نمود. در واقع در اینجا بر خداشناسی و ستایش پروردگار تأکید نموده است که راهگشای بسیاری از مشکلات انسان‌ها در طول زندگی است. این نکته اخلاقی را متذکر می‌شود که ستایش پروردگار و نیز شکر نعمت او را به جا آوردن موجب سعادت انسان‌ها می‌شود؛ و اینکه طبیعت نشانه‌ای از وجود خداوند است. در بخش روان خوانی در درس دوم ادبیات هفتم، داستانی به نام کژال از طاهره ایبند ذکر شده است که داستان زنی را بیان می‌کند که به همراه نوزادش برای دیدن کسی از راه دشت و کوه می‌گذرد که ناگاه گرگ به او حمله می‌کند و نوزادش را با خود می‌برد در این میان مرد جوانی به کمک او می‌شتابد و نوزادش را از چنگال گرگ می‌رهاند و خودش به شدت زخمی می‌شود. این داستان داستانی کُردی است که با زبانی تقریباً عامیانه بیان شده است. در این داستان نویسنده به خوبی این نکته اخلاقی را به مخاطب نوجوان خود می‌نماید که کمک به دیگران تا چه اندازه می‌تواند مهم و ارزشمند باشد و موجب نجات جان یک نفر شود. در این داستان به یکی از فضایل اخلاقی که همانا کمک به ممنوع است اشاره شده است. پیام اخلاقی و تربیتی این داستان مقاومت و پایداری در برابر هجوم بدخواهان و فداکاری برای حفظ و دفاع از میهن خود است. این موضوع نیز با عنوان فصل ارتباط و تناسبی ندارد. بر اساس نام‌گذاری‌هایی که برای فصول انجام شده است بهتر می‌بود که داستانی متناسب با موضوع فصل در این قسمت آورده می‌شد. با مطالعه فصل اول فارسی هفتم مشخص می‌شود نگارندگان این کتاب با نام‌گذاری دقیق و متناسب با صفحات نخستین مانند ستایش و مناجات با پروردگار سعی نموده‌اند تا با استفاده از اشعار و متون منثور لیلی و مجنون نظامی و گلشن راز شیخ محمود شبستری این نکات اخلاقی را متذکر نمایند که شکرگذاری و سپاس پروردگار و نیز شکر همه نعمت‌هایی که او به ما ارزانی داشته از مفاهیم ارزشمندی است که باید نوجوانان همواره به آن توجه داشته باشند. با ذکر این اشعار و داستان‌ها از ادبیات شیرین فارسی نوجوانان با خداشناسی و سپاس از پروردگار بی‌همتا به خوبی آشنا می‌گردند و تربیت می‌شوند. و دیگر اینکه غیبت و بدگویی دیگران بسیار ناپسندیده است و نیز این که کمک به ممنوع در شرایط تنگنا و سختی بسیار پسندیده و ارزشمند است و دفاع از میهن در برابر هجوم دشمنان گرگ صفت وظیفه هر ایرانی است.

فصل دوم کتاب فارسی هفتم «شکفتن» نام دارد که با شعری از بیدل دهلوی با همین مضمون یعنی شکوفایی و رسیدن بهار مزین گشته است:

منتظران بهار، فصل شکفتن رسید  
مژده به گل‌ها برید، یار به گلشن رسید  
(بیدل دهلوی: ۳۱)

درس سوم «نسل آینده‌ساز بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانش‌آموزان را ذکر کرده است که در آن به دانش‌آموزان توصیه می‌کند که به دنبال علم و دانش و درس خواندن باشند و همواره ایمان و پاکدامنی خود را حفظ نمایند. در بخش شعرخوانی در فصل دوم شعری با نام «توفیق ادب» از مثنوی مولوی بیان شده است که در مورد ستایش پروردگار و مناجات با اوست. این شعر از بخش‌های مختلف مثنوی مولانا آورده شده است و این شعر، شعری یکپارچه و با مضمونی یکسان نیست بلکه موضوعات متفاوتی دارد:

ای خدا! ای فضل تو حاجت روا  
قطره دانش که بخشیدی ز پیش  
صد هزاران دام و دانه است ای خدا  
گر هزاران دام باشد هر قدم  
از خدا جوییم توفیق ادب  
بی‌ادب تنها نه خود را داشت بد  
با تو یاد هیچکس نبود روا  
متصل گردان به دریا‌های خویش  
ما چو مرغان حریصی بی‌نوا  
چون تو با مایی، نباشد هیچ غم  
بی‌ادب محروم ماند از لطف رب  
بلکه آتش در همه آفاق زد  
(مولانا: ۳۶)

در بیت اول این شعر، مولانا اهمیت شکر و سپاس‌گزاری از خداوند متعال را ذکر نموده است و در بیت دوم شاعر از پروردگار دریایی از علم و آگاهی را از خداوند خواستار است. در ابیات سوم و چهارم بیان می‌کند که یاد خداوند انسان را از حرص و آز که هر دو رذیله‌های اخلاقی هستند، دور می‌دارد. و در دو بیت آخر ذکر می‌نماید که انسان ناشکر و ناسپاس در برابر نعمت‌های پروردگار را انسانی بی‌ادب خطاب نموده است که این بی‌ادبی او علاوه بر اینکه

خودش را از نعمات الهی محروم می‌گرداند بلکه با ناسپاسی همه اطرافیانش را نیز به بدی و زشتی دچار می‌گرداند؛ و آنها را نیز از لطف و سپاس خداوند مهربان بی‌نصیب می‌گرداند. امام صادق (ع) در مورد ناسپاسی فرموده است: «اگر سپاس‌گزاری کنی نعمت‌ها پایدار است و اگر کفران ورزی، دیری نمی‌پاید» (کلینی، ۱۴۳۰ ق: ۲۴۳). ذکر این شعر مولانا در واقع به دانش‌آموزان تعلیم می‌دهد که همواره شکرگزار نعمت پروردگار باشند و اینکه انسان ناشکر از لطف و محبت پروردگار بی‌بهره خواهد ماند. به جای این تکه‌های شعری که از مثنوی با موضوعات مختلف آورده شده است؛ بهتر بود که بخشی از شعری مستقل، از مثنوی آورده می‌شد تا دانش‌آموز با مضمونی واحد روبرو باشد و بتواند در کنار هم قرار گرفتن این ابیات را درک کند. آوردن موضوعات متنوع در این شعر با مضمون فصل مطابقتی ندارد.

در درس چهارم شعری از محمد جواد محبت به نام «با بهاری که می‌رسد از راه» در قالب چهارپاره را آورده است که مضمون آن در مورد آمدن بهار و رویش گیاهان و شکوفه‌ها و سرزندگی چشمه‌ها است و اینکه همه‌چیز در طبیعت آفریده پروردگار است و شکرگزاری و سپاس از پروردگار و راز و نیاز با او از بهترین کارهاست. پیام اصلی این شعر میل به تازگی و شادابی و خوشحالی و به دور ماندن از اندوه و سردی و یأس و خوشحالی و شادمانی و مثبت بودن در زندگی است. شاعر در این شعر مخاطبان خود را دعوت به شادی و خوشحالی می‌نماید و بیان می‌دارد که پروردگار بی‌همتا بهترین دوست برای همه انسان‌هاست. در پایان فصل دوم متنی در مورد نوجوانی آمده است که نام نویسنده آن ذکر نشده است. در این متن به مفاهیمی چون تأمل در آفرینش و شگفتی‌های طبیعت، شکل گرفتن شخصیت نوجوانان در رفت و آمد با افراد مختلف، شادی و شادابی در زندگی، مفهوم پاکیزه بودن و آراستگی در زندگی، امید به آینده و تقویت استعدادها هنری اشاره شده است. که با عنوان فصل تناسب دارد.

در ابتدای فصل آزاد در درس پنجم، شعری در مورد ایران از هفت پیکر نظامی بیان شده است:

همه عالم، تن است و ایران دل  
نیست گوینده زین قیاس، خجل  
(نظامی، ۱۴۰۲: ۴۳)

در این شعر همه کشورهای دیگر را به‌مانند تن دانسته که روزی از بین می‌روند و ارزشی ندارند و در مقابل ایران را دل دانسته که ارزش زیادی دارد. در واقع در اینجا نظامی به اهمیت دادن به وطن و حب‌الوطن اشاره داشته است. مضمون این بیت به خوبی دانش‌آموزان را با این موضوع تربیتی آشنا می‌کند که ایران و وطن ارزشی همچون دل در میان تن دارد. در ابتدای فصل سوم که «سبک زندگی» نام‌گذاری شده است شعری از علی‌اکبر گلشن آزادی آورده شده است:

این زندگی، حلال کسانی که همچو سرو  
آزاد، زیست کرده و آزاد می‌روند  
(گلشن آزادی: ۴۹)

در این شعر به زیبایی به مضمون اخلاقی آزادی و آزاده زیستن پرداخته است. در این بیت انسان‌های وارسته از دنیا و مادیات آن را به سرو که آزاده است تشبیه نموده است. و این نکته اخلاقی را متذکر شده است که انسان‌های وارسته از دنیا به سعادت دنیوی و اخروی خواهند رسید. آزادی به این معنا است که انسان قدر و منزلت خود را بشناسد و تن به حقارت و پستی و اسارت دنیا ندهد؛ انسان آزاده کسی است که خود را اسیر مادیات دنیا نمی‌کند و ارزش‌های انسانی را ارج می‌نهد. با بیان این بیت دانش‌آموز با مفهوم فضیلت اخلاقی و تربیتی آزادی و آزاده زیستن به‌خوبی آشنا می‌گردد. مفهوم آزادی در این بیت با نام فصل هماهنگ و برای معرفی فصل بیان شده است.

درس ششم با عنوان «قلبم را به چه کسی هدیه بدهم؟» از نادر ابراهیمی حاوی این مضمون اخلاقی و تربیتی است که خصوصیات اخلاقی خوب همچون مهربانی، وفاداری، صبوری، گذشت، عدالت و داورزی و خوش‌رویی و خوش اخلاقی موجب می‌گردد که در دل دیگران جای گیریم و همواره در یاد و خاطره آن‌ها زنده باشیم. این متن برای نوجوانان کلاس هفتم بسیار ساده می‌نماید و بهتر بود داستانی از کتب ارزشمند ادبیات فارسی در مورد سبک زندگی بیان می‌شد. در درس هفتم شعری در قالب مثنوی با نام علم زندگانی از پروین اعتصامی بیان شده است:

کبوتر بچه‌ای با شوق پرواز  
به جرئت کرد روزی بال و پر باز  
پرید از شاخکی بر شاخساری  
گذشت از بامکی بر جو کناری  
نمودش بس که دور آن راه نزدیک  
شدش گیتی به پیش چشم، تاریک  
ز وحشت، سُست شد بر جای، ناگاه  
ز رنج خستگی درماند در راه

فُتاد از پای، کرد از عجز فریاد  
 تو را پرواز، بس زود است و دشوار  
 هنوزت نیست پای برزن و بام  
 تو را توش سفر می‌باید اندوخت  
 ببايد هر دو پا محکم نهادن  
 من اینجا چون نگهبانم تو چون گنج  
 مرا در دام‌ها بسیار بستند  
 گه از دیوار سنگ آمد، گه از در  
 نگشت آسایشم یک لحظه دمساز  
 هجوم فتنه‌های آسمانی  
 نگرده شاخک بی‌بُن، برومند  
 ز شاخی مادرش آواز در داد:  
 ز نوکاران که خواهد کار بسیار؟  
 هنوزت نوبت خواب است و آرام  
 حدیثِ زندگی می‌باید آموخت  
 از آن پس، فکر بر پای ایستادن  
 تو را آسودگی باید مرا رنج  
 ز بالم کودکان پرها شکستند  
 گهم سر پنجه خونین شد، گهی سر  
 گهی از گربه ترسیدم گه از باز  
 مرا آموخت علم زندگانی  
 ز تو سعی و عمل باید، ز من پند

(اعتصامی، ۵۸-۶۱)

پروین اعتصامی در این شعر به موضوعات اخلاقی و تربیتی مهمی اشاره داشته است. این شعر گفتگوی جوجه کبوتری با مادرش است که یک روز جرئت به خرج می‌دهد تا پرواز کردن را یاد بگیرد؛ کمی که از این شاخه به آن شاخه می‌پرد خسته می‌شود و توانش را از دست می‌دهد، در این حالت مادرش را صدا می‌زند و از او کمک می‌طلبد مادر چون او را در این حالت می‌بیند به او می‌گوید که هنوز پرواز کردن برای تو زود است و فعلاً باید استراحت کنی تا قوی شوی، اکنون من وظیفه دارم تو را بزرگ گردانم تا قوی شوی و بتوانی مستقل باشی، من نیز سختی‌ها کشیدم و مورد هجوم انسان‌ها و حیوانات قرار گرفتم تا مستقل باشم و این تجربه‌ها، علم زندگی کردن را به من آموخت. شاخه‌ای که ریشه نداشته باشد رشد نمی‌کند. تو باید سعی و تلاش خودت را در زمان درست آن انجام دهی و من نیز با پند و اندرزهایم در این راه به تو کمک می‌نمایم. در این شعر به خوبی به مضامین اخلاقی چون خسته نشدن از کار و تلاش و کوشش برای رسیدن به هدف اشاره شده است؛ همچنین تحمل رنج و سختی برای رسیدن به سعادت در زندگی امری ضروری به شمار می‌آید. پروین در این شعر به مضامینی چون تلاش و کوشش بسیار در زندگی و استفاده نمودن از تجربه‌های دیگران برای رسیدن به پیروزی را بیان نموده است. در اوایل درس هشتم حکایتی از بایزید بسطامی به نام «دعای مادر» در بُستان‌العارفین ذکر شده است که بایزید روایت می‌کند که از او سؤال می‌کنند که ابتدای کار تو و اوایل زندگانی تو چگونه بوده است که می‌گویدی من کودکی ده ساله بودم که شب به دلیل عبادت خوابم نمی‌بُرد. یک شب مادرم از من خواست که به دلیل سرما نزد او بخوابم نمی‌توانستم با خواسته مادر مخالفت کنم و پذیرفتم. آن شب خوابم نبرد و حتی نتوانستم نماز شب بخوانم یک دستم را بر دست مادر بود و دست دیگرم زیر سر او قرار داشت. آن شب هزار قل هو الله خوانده بودم و دستی که زیر سر مادرم بود خواب رفته بود و به خودم گفتم ای تن این رنج را برای خدا تحمل کن. چون مادرم این قضیه را فهمید دعا کرد و گفت: یا رب تو از وی خشنود باش و درجتش، درجه اولیا گردان. دعای مادرم در حق مستجاب شد و من به این جایگاه رسیدم. ذکر این روایت حاوی این مضمون اخلاقی و تربیتی ارزشمند است که احترام به پدر و مادر و کمک کردن به آن‌ها جایگاه و ارزش ویژه‌ای نزد پروردگار بی‌همتا دارد و موجب سعادت دنیوی و اخروی می‌گردد. با مطالعه این داستان دانش‌آموزان به خوبی با مفهوم احترام به پدر و مادر و ارزش آن آشنا می‌گردند. در این داستان نویسنده توجه و احترام داشتن مادر را از شب‌زنده‌داری بالاتر و برتر دانسته است. حکایت دعای مادر با نام فصل که سبک زندگی است متناسب است. درس هشتم متنی با عنوان «زندگی همین لحظه‌هاست» را از عباس اقبال آشتیانی بیان نموده است که حاوی مضامین اخلاقی و تربیتی است در این متن به گرانبهایی وقت و زمان عمر اشاره شده است و اینکه باید در طول زندگی از آن درست استفاده نمود و آن را به بطلالت و بیهودگی نگذراند. در این متن به این اشاره شده است که همواره باید در زمان حال و اکنون زندگی کرد و افسوس گذشته، و حسرت آینده را خوردن کار درستی نخواهد بود. در واقع نویسنده به اهمیت و ارزش وقت، فراموش کردن گذشته و از زندگی لذت بردن را به مخاطب خویش تعلیم می‌دهد. در میان این متن رباعی از خیام تضمین شده است:

از دی که گذشت، هیچ از او یاد مکن  
 فردا که نیامده‌ست، فریاد مکن  
 بر نامده و گذشته، بنیاد مکن  
 حالی خوش باش و عمر بر باد مکن

(خیام: ۶۶)

که خود به تفسیر شعر پرداخته و بیان نموده است که خوشگذرانی و وقت را بیهودگی گذراندن خوشحالی واقعی نیست بلکه خوشی حقیقی این است که دل‌های دیگران را شاد کنیم و گره از کار دیگران بگشاییم و اینکه شادی‌های خود را با دیگران تقسیم کنیم و خداوند نیز دوستدار چنین کسانی خواهد

بود. باید قدر وقت را که بسیار ارزشمند است بدانیم اما مقصد این نیست که دائم در حال کوشش باشیم و طوری که زندگی را بر خود سخت بگیریم بلکه زمان‌هایی که در کنار دوستان و خانواده هستیم را گرامی بداریم و از آن درست استفاده کنیم؛ چرا که از دست دادن لحظه‌های زندگی پشیمانی جز اندوه و غم نخواهد داشت. در متن به زیبایی به این نکات مهم اخلاقی و تربیتی اشاره شده است که وقت گرانبهاست و نباید آن را بیهوده سپری کنیم و این که کمک کردن به دیگران و دل مردم را شاد کردن از ارزش بالایی برخوردار است. دانش‌آموزان با مطالعه این متن با گرانبهای وقت و ارزش آن آشنا می‌گردند و اینکه کمک به دیگران و دل آنها را شاد کردن ارزش ویژه‌ای در نگاه پروردگار بی‌همتا دارد. این متن نوشته عباس اقبال آشتیانی است اما منبع مشخصی برای آن ذکر نشده است. در بخش روان‌خوانی فصل سوم «سفرنامه اصفهان» که بخشی از قصه‌های مجید از هوشنگ مرادی کرمانی است آورده شده که داستانی بسیار خواندنی و زیبا با چاشنی از طنز در مورد نوجوانی است که به همراه راننده کامیونی از کرمان به سمت اصفهان سفر می‌کند، اما از دیدن آثار و ابنیه تاریخی اصفهان محروم می‌گردد. یک داستان جذاب است برای این گروه سنی است و بیشتر جنبه طنز دارد.

در ابتدای فصل چهارم که «نام‌ها و یادها» نام دارد. شعری از مثنوی مولوی ذکر نموده است:

نارِ خندان، باغ را خندان کند      صحبتِ مردانت از مردان کند

(مولانا: ۷۹)

که به این معناست همان‌طور که گل انار موجب زیبایی و سرسبزی باغ می‌شود هم‌نشینی با مردان بزرگ و ارزشمند و جوان‌مردان نیز سبب شادابی روح انسان می‌گردد و او را ارزشمند و بزرگ می‌نماید. در این بیت زیبا از مثنوی به این نکته اخلاقی و تربیتی اشاره شده است که هم‌نشین بزرگ و ارزشمند انسان را ارزشمند و بزرگ می‌گرداند در واقع در این بیت به ارزش هم‌نشین و دوست اشاره داشته است و ذکر نموده است که هم‌نشین و دوست بزرگوار سبب می‌گردد تا انسانی که با او دوست است و در کنار او روزگار می‌گذراند نیز خوی او را بگیرد و ارزشمند و جوان‌مرد شود.

در درس نهم درسی با عنوان «تصحیح امام» آمده است که در آن به نامه دانش‌آموزان به امام خمینی صحبت شده که امام جواب نامه آنها را می‌دهند. در بخش دیگر این درس «شوق خواندن» در مورد زندگی علامه محمد تقی جعفری مطلبی در مورد اشتیاق و علاقه ایشان به خواندن و ساده زیستی این شخصیت آورده شده است. در درس دهم مطلبی با نام «کلاس ادبیات» در مورد کلاس درس نیمه در نوجوانی آورده شده است که مضمون آن به این اشاره دارد که نیما از همان نوجوانی به شعر علاقه‌مند بوده است. نکته‌ای که در اینجا باید بیان کرد این است که در جایگزین این مطلب کوتاه ذکر شعری از نیما با تاریخ ادبیاتی مختصر از او بسیار زیباتر می‌نمود. و موجب آشنایی دانش‌آموزان با نیما و افکار او شیوه‌ای که او در شعر معاصر بنا نمود می‌شد. در همین درس عنوانی با نام مرورایدی در صدف در مورد زندگی پروین در کودکی و علاقه‌ای که او به سرودن شعر داشته است به صورت مختصری اشاره شده است. که در اینجا نیز بیان شعری آموزنده از پروین موجب شناخت بیشتر دانش‌آموزان با او و اشعارش می‌شد. در این جا ذکر این مطلب لازم است که در این کتاب شعری از پروین با نام علم زندگانی ذکر شده است و همین با ذکر تاریخ ادبیاتی مختصر برای معرفی پروین کافی بود و ذکر این مطلب کوتاه درباره پروین لزومی نداشت و بهتر بود که به معرفی شاعری دیگر از میان شاعران پیشمار ادبیات فارسی پرداخته می‌شد. در مورد دیگر اندیشمندان همچون دکتر حسابی و دکتر سعید کاظمی آشتیانی نیز مطالبی در این درس آمده است. که برای مرتبط کردن دکتر حسابی به ادبیات، در این نوشته آمده است که دلبستگی استاد به شعر و ادب تا اندازه‌ای بود که سر در خانه‌اش را به این بیت سعدی آراسته بود..

به جان زنده‌دلان، سعدیا، که ملک وجود      نیززد آنکه دلی را ز خود بیازاری

(سعدی: ۹۱)

درباره سعید کاظمی آشتیانی آمده است که ایشان به ادبیات علاقه‌مند بوده‌اند! که باید گفت در بزرگی و ارزشمندی این بزرگان شکی نیست اما همان‌طور که پیش‌تر گفتیم معرفی دو تن از بزرگان ادب فارسی در اینجا بهتر می‌نمود. زیرا کتاب ادبیات فارسی باید محلی برای معرفی گنجینه‌های ادبیات فارسی کهن و پدیدآورندگان آنها باشد. و اینکه متن زندگی‌نامه دکتر حسابی و نیز متن «فرزند انقلاب» نویسندگان آن را ذکر نکرده‌اند و مشخص نیست که این متن‌ها را چه کسی نوشته است!

در بخش شعرخوانی در ابتدای درس یازدهم شعری مخمس با عنوان گل و گل از ملک‌الشعراى بهار آورده شده است:

شبی در محفلی با آه و سوزی      شنیدستم که مرد پاره دوزی

چنین می‌گفت با پیر عجزوی      گلی خوشبوی در حمام روزی

رسید از دست محبوبی به دستم

گرفتم آن گل و کردم خمیری      خمیری نرم و نیکو، چون حریری

معطر بود و خوب و دلپذیری بدو گفتم که مشکى يا عبيرى  
 كه از بوى دلاويز تو مستم  
 همه گل‌هاى عالم آزمودم ندیدم چون تو و عبرت نمودم  
 چو گل بشنيد اين گفت و شنودم بگفتا كه من گلى ناچيز بودم  
 وليكن مدتى با گل نشستم  
 گل اندر زير پا گسترده پر كرد مرا با همنشيني مفتخر كرد  
 چون عمرم مدتى با گل گذر كرد كمال همنشين در من اثر كرد  
 وگر نه من همان خاكم كه هستم

(بهار: ۹۶)

که حاوی این مضمون است که همنشین و دوست دارای صفات خوب و پسندیده در صفات ما نیز تأثیرگذار است و دوستی با افراد بزرگ و دارای اخلاق نیکو و کردار پسندیده موجب می‌گردد تا ما نیز بدان صفات درست و زیبا متصف گردیم. در این جا باید گفت که این شعر بسیار زیبا و مضمونی نیز زیبا و آموزنده دارد اما بیتی دیگر از مثنوی در ابتدای درس چهارم با همین مضمون در این کتاب ذکر شده است و البته اگر طراحان این کتاب شعری با مضمونی اخلاقی و تربیتی متفاوت برای دانش‌آموزان ذکر می‌نمودند، مناسب‌تر بود. چرا که آشنایی با مضامین اخلاقی و تربیتی گوناگون - در اشعار زبان و ادب فارسی تعداد آن‌ها کم نیست - لازم‌تر به نظر می‌رسد. در این نمونه، شعری متعلق به یکی از حکایت‌های گلستان با همین نام «گل و گل» تضمین شده است که موضوع اخلاقی آن نیز تأثیر هم‌نشین خوب در انسان است. از نکاتی که باید دوباره بیان کنیم این است که در این فصل بیشتر مطالبی در مورد مضامین اجتماعی و سیاسی آورده شده است و دانش‌آموز به جای آشنایی با زندگی‌نامه شاعران و نویسندگان مشهور فارسی، و نیز بزرگان ادبیات ملی و میهنی با زندگی‌نامه افراد و چهره‌های علمی و سیاسی در ارتباط است. ذکر زندگی‌نامه افرادی چون دکتر حسابی، شهید چمران، شهید رجایی و امام خمینی (ره) و نیز علامه جعفری و دکتر سعید کاظمی آشتیانی چهره‌هایی در سیاست و علم هستند و ارتباط چندانی با ادبیات فارسی ندارند. و نگارندگان این کتاب باید از چهره‌ها و بزرگان ادبیات فارسی همچون رودکی، فردوسی، نظامی، سعدی، حافظ، جامی، صائب، نیما، اخوان، سپهری، فروغ شرح حالی درج می‌شد و بخشی از مناجات‌ها و دعاهای شهید چمران و یا بخشی از شعرهای امام خمینی (ره) را در کتاب ذکر می‌نمودند. در بخش شعرخوانی در ابتدای درس سیزدهم شعری از شاهنامه فردوسی با عنوان «رستگاری» بیان شده است:

تو را دانش و دین رهاند دُرست در رستگاری بیایدت جُست  
 چو خواهی که یابی ز هر بد رها سر اندر نیاری به دام بلا  
 بوی در دو گیتی ز بد رستگار نکو کار کردی بر کردگار  
 به گفتار پیغمبرت راه جوی دل از تیرگی‌ها بدین آب شوی  
 اگر چشم داری به دیگر سرای به نزد نبی و وصی گیر جای  
 بر این زادمو هم بر این بگذرم چنان دان که خاک پی حیدریم

(فردوسی: ۱۱۳)

که این شعر نیز همچون شعر «توفیق ادب»، بیت‌هایی از قسمت‌های مختلف شاهنامه دارد. اما با این وجود؛ مضمون به‌کارگیری و متحد بودن دین و دانش با همدیگر و اهمیت اتحاد این دین و دانش را به‌خوبی بیان نموده است؛ که بهتر می‌بود شعری از یک جای شاهنامه ذکر می‌شد. در این شعر به ستایش علم و دانش می‌پردازد و راه رستگاری انسان را در دین و دانش می‌داند. و راه نجات از تمام بدی‌ها و رهایی از دام‌ها و نیکوکار بودن را عمل به سخنان پیغمبر می‌داند که در این صورت درون خود را از گناهان و پلیدی‌ها پاک خواهد کرد. اگر می‌خواهی که در جهان آخرت خیالی آسوده داشته باشی به گفتار و کردار پیامبر و جانشینان او عمل کن. و در نهایت به ستایش حضرت علی می‌پردازد و بیان می‌دارد که من با این اعتقاد به دنیا آمدم و نیز از دنیا خواهم رفت که از پیروان حضرت علی (ع) هستم. در این شعر فردوسی به زیبایی به بیان این نکات تربیتی و اخلاقی می‌پردازد که راه رستگاری انسان‌ها در دنیا و آخرت عمل به دستورات پیامبر گرامی اسلام و نیز جانشینان اوست. در درس سیزدهم متنی با عنوان «اسوه نیکو» درج شده است که اسم نویسنده بیان نشده و در مورد زندگی حضرت محمد (ص) و ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری ایشان آمده است که با ذکر ابیاتی از سعدی در قالب مثنوی پایان می‌یابد. در درس سیزدهم «اسوه نیکو» مطلبی در مورد پیامبر گرامی اسلام بیان نموده است و در آن به فضیلت‌های اخلاقی ایشان چون مهربانی با دیگران، ادب و احترام نسبت به دیگران و دوری از تجمل‌گرایی و ساده‌زیستی ایشان اشاره شده است. در این درس ابیاتی از بخش «مواعظ» کلیات سعدی در ستایش

پیامبر (ص) آورده شده است. اما نام نویسنده متن ذکر نگردیده است. در اوایل درس چهاردهم حکایتی با نام «چراغ شب» از بهارستان جامی نقل شده است که در مورد ارزش علم و دین است. مفهوم آن این است که دانش و آگاهی همانند چراغی است که راه درست را به هر انسانی نمایان می‌کند و همچنین موجب آگاهی گمراهان و نادانان می‌شود و از آسیب آنها به افراد دیگر جلوگیری می‌نماید. درست همانند چراغی که راه را روشن می‌کند و موجب می‌شد که دیگران مرد نابینا را نظاره کنند و موجب صدمه به کوزه او نشوند. موضوع این حکایت به نام فصل نزدیک است. در ابتدای فصل ششم در مورد ادبیات جهان است. این فصل آخرین فصل کتاب است شعری از اقبال لاهوری آورده است:

خدا آن ملتی را سروری داد که تقدیرش به دست خویش بنوشت

(لاهوری: ۱۴۱)

که این مضمون را بیان می‌دارد که هر ملت و کشوری که استقلال داشته باشد و سرنوشت خودش را خودش در دست بگیرد خداوند آن ملت را سعادت و سروری بخشیده است. در واقع در این بیت به اهمیت استقلال ملت‌ها اشاره شده است. این فصل در مورد ادبیات جهان و آثاری از نویسندگان مختلف جهانی در آن ذکر شده است. در درس شانزدهم کتاب با عنوان «آدم آهنی و شاپرک» داستانی نمادین و رمزگونه است که نوشته ویتاتو ژیلینسکی از مجموعه داستان «ملخ شجاع» او انتخاب شده است و ناهید/زادمنش آن را ترجمه کرده است. مضمون این داستان در مورد درس هفدهم «ما می‌توانیم» از کلیک مورمان آمده است که اسم اصلی آن «مراسم تدفین نمی‌توانم است» این داستان از مجموعه داستان «نغمه عشق» انتخاب گردیده است که حاوی مضامین اخلاقی چون تکرار نتوانستن در زندگی است. در واقع نویسنده در این داستان به سرزنش و مذمت نمی‌توانم در انجام کارها در زندگی پرداخته است. داستانی آموزنده است و از نظر تربیتی و اخلاقی نوید دهنده و امیدوارکننده به‌شمار می‌آید. داستان آخر کتاب فارسی هفتم با عنوان «پیر دانا» که در مورد افسانه‌ای روسی است که ترجمه فتح‌الله دیده‌بان است و در این داستان نیز نام نویسنده ذکر نشده است. این داستان در مورد پادشاهی اسم که فرمان قتل پیرمردان را می‌دهد و پسری برای نجات جان پدر پیرش او را در مکانی از خانه مخفی می‌نماید و در آخر با برملا شدن حقیقت داستان پایان خوبی دارد. باید این نکته را ذکر نمود که مؤلفان کتاب فارسی هفتم در مورد انتخاب مباحث ادبیات جهان بهتر از ادبیات ایران عمل کرده‌اند و تنها نقدی که به بحث ادبیات جهان در فارسی هفتم می‌توان داشت این است که در این فصل شعری از ادبیات جهان ذکر نگردیده است. در پایان کتاب فارسی هفتم با نیایشی از خواجوی کرمانی که مربوط به منظومه «گل و نوروز» است به پایان می‌رسد:

خداوندا، به حق نیک مردا	که احوال بدم را نیک گردان
مکن ما را از این درگاه، محروم	چو گنجشکان، مران ما را ازین بوم
زبانی ده که اسرار تو گوید	روانی ده که دیدار تو جوید
دلسم در آتش غفلت مسوزان	به‌معنی، شمع جانم برفروزان
کنون، گر دست‌گیری، جای آن هست	که گر دستم‌نگیری، رفتم از دست
مکن دورم ز نزدیکان درگاه	به راه آور مرا، کافتادم از راه
تو را خوانم به هر رازی که خوانم	تو را دانم به هر چیزی که دانم

(خواجوی کرمانی: ۱۶۶)

این نیایش در قالب مثنوی سروده شده است و در مورد نیایش با پروردگار است که از خدا می‌خواهد احوالش را نیکو بگرداند و انسان‌ها را از درگاه خود محروم نکند. و همواره دستگیر انسان‌ها باشد.

در پایان بررسی کتاب فارسی هفتم باید گفت که این کتاب از نظر تعلیمی و اخلاقی تا حدودی خوب عمل کرده است اما از نظر تأثیر ادبیات در تربیت و اخلاق دانش‌آموزان باید گفت که مؤلفان این کتاب می‌بایست اشعار و متون بیشتری از شاعران و نویسندگان کلاسیک و معاصر در این کتاب درج می‌کردند با مطالعه این کتاب دریافته‌ایم که جای اشعار تربیتی و اخلاقی شاعران زیادی چه در حوزه ادبیات کهن و چه در حوزه ادبیات معاصر خالی است در مورد ادبیات کلاسیک باید گفت که کمبود اشعار و متون کهن به‌خصوص حکایت‌ها و نیز نبود متون عرفانی در این کتاب یکی از نقض‌هایی است که دارد. در حالی که مؤلفان این کتاب می‌توانستند به‌جای ذکر تک بیت‌هایی از شاعران فارسی کهن همچون نظامی، شیخ محمود شبستری، بیدل دهلوی، مولانا و عطار نیشابوری اشعار تربیتی و اخلاقی بیشتری از این بزرگان ذکر نمایند تا دانش‌آموزان بهتر بتوانند با این شاعران گرانقدر ادبیات فارسی مأنوس شوند و با اشعار آموزنده و حاوی نکات اخلاقی و تربیتی دانش‌آموزان آشنا گردند. در مورد ادبیات معاصر نیز باید گفت که ذکر اشعاری از نیما، فروغ، سهراب سپهری،

حسین منزوی، محمد علی بهمنی و... بسیار لازم می‌نمود. دانش‌آموزان باید با محتوای اشعار به‌خصوص محتوای اخلاقی و تربیتی بیشتر آشنا شوند در این صورت آموزش موجب تربیت درست دانش‌آموزان و پرورش صحیح آن‌ها نیز می‌شود. کتاب فارسی هفتم بیشتر آنکه ادبیات باشد در مورد مباحث سیاسی است که انتظار می‌رود در کتاب ادبیات که عنوان «ادبیات» را به دوش می‌کشد به جای معرفی چهره‌های سیاسی به معرفی چهره‌های ادبی و ملی و آثار اخلاقی و تربیتی آن‌ها در کتاب درج می‌گردید. با تعمق و اندیشه در کتاب فارسی هفتم دریافتیم که این کتاب به بازبینی و تألیف جدید نیاز دارد کتاب ادبیات باید با روح و روان نوجوانان قرین باشد و موجب وابستگی و علاقه بیشتر آنان به این کتاب شود و از طرفی ادبیات می‌تواند بستری مهم و ارزشمند برای تربیت اخلاقی دانش‌آموزان با ذکر حکایت‌ها، متون منثور، اشعار و زندگی‌نامه‌هایی از شاعران بزرگ زبان و ادب فارسی باشد. باید گفت که متأسفانه جای حکایت‌ها و اشعار آموزنده و تأثیر گذار در اخلاق و پرورش نوجوانان در این کتاب بسیار خالی است و امیدواریم در بازبینی‌های آینده از این کتاب بیشتر به ادبیات و آثار ادبی کلاسیک و معاصر و نقش آن در تربیت و اخلاق نوجوانان توجه شود.

### نتیجه گیری

دانش‌آموزان سرمایه‌های ارزشمند هر کشوری به حساب می‌آیند بنابراین هر تلاشی در جهت ارتقای اخلاق و تربیت آنان اهمیت و ارزش بسیاری خواهد داشت. در مورد نقش ادبیات در تعلیم و تربیت دانش‌آموزان باید گفت که ادبیات فارسی با گنجینه بزرگی که از اشعار و متون منثور در تاریخ خود دارد می‌تواند نقش بسیار مؤثری در تعلیم و تربیت دانش‌آموزان ایفا کند. در مورد کتاب فارسی هفتم باید گفت که جای اشعار شاعران و متون منثور نویسندگان بسیاری در آن خالی است و کمبود اشعار شاعران مختلف در آن احساس می‌شود. نکته دیگر این است که در فصل نام‌ها و یادها بهتر بود به جای پرداختن به زندگی اشخاص سیاسی و اجتماعی به معرفی شاعران و نویسندگان سرشناس ادب پارسی پرداخته می‌شد تا دانش‌آموزان با آن‌ها بیشتر آشنا گردند.

در پایان ذکر این نکته ضروری است که هدف ما از این جستار بررسی کتاب ادبیات هفتم متوسطه اول از نظر تأثیرگذاری اخلاق و تربیت در تفکر و اندیشه دانش‌آموزان بود و اگر نقدی هم ارائه شده است در جهت بهبود تألیف کتاب‌های فارسی برای تأثیر بیشتر در ذهن و فکر دانش‌آموزان این سرزمین است. امید است که طراحان و مؤلفان کتاب‌های ادبیات فارسی در آینده با دقت بیشتری به تألیف این کتاب ارزشمند بپردازند.



## منابع

- ۱- قرآن مجید. ترجمه: مهدی الهی قمشه ای.
- ۲- فارسی (۱۴۰۲)، پایه هفتم دوره متوسطه اول، کد ۷۰۳، چاپ یازدهم.
- ۳- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ هـ)، لسان العرب، جلد ۱، دار صادر بیروت.
- ۴- جعفری، محمد تقی (۱۳۵۴)، در قلمرو معرفت تعلیم و تربیت اسلامی، به کوشش: محمدرضا جوادی، تهران: پیام آزادی.
- ۵- حلبی، علی اصغر (۱۳۶۶)، دانشنامه عمومی، ترجمه: علی اصغر حلبی، تهران: پیک ترجمه و نشر.
- ۶- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۵)، لغتنامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۷- دهقان، اکبر (۱۳۷۹)، راه رشد، قم: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- ۸- رزماری، دوگه (۱۳۸۳)، توان‌های آموزشی ادبیات برای دانش‌آموزان، مترجم: ن. اکبری، پژوهش‌نامه ادبیات کودکان و نوجوانان، شماره ۳۷، صص ۶۹-۷۵.
- ۹- رستگار فسایی، منصور (۱۳۷۲)، انواع شعر، شیراز: نوید شیراز.
- ۱۰- ریپکا، یان (۱۳۵۴)، تاریخ ادبیات ایران، مترجم: عیسی شهابی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۱۱- شکوهی، غلامحسین، (۱۳۷۸)، تعلیم و تربیت و مراحل آن، چاپ هفدهم، مشهد: آستان قدس رضوی.
- ۱۲- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۷)، تفسیر المیزان، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، تهران: رجا.
- ۱۳- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۵)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه علمی مطبوعات.
- ۱۴- طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۷۳)، اخلاق ناصری، تصحیح: مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران: خوارزمی.
- ۱۵- غزالی، ابوحامد (۱۳۹۳)، احیاء العلوم الدین، ترجمه: مؤیدالدین محمد خوارزمی، ترجمه: حسین خدیو جم، تهران: فردوس.
- ۱۶- مطهری، مرتضی (۱۳۶۷)، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: صدرا.
- ۱۷- معین، محمد (۱۳۸۶)، فرهنگ معین، چاپ سوم، تهران: زرین.
- ۱۸- موحد، ضیاء (۱۳۷۳)، سعدی، تهران: طرح نو.

Ali Keshvari <sup>1</sup>, \* Mohammad Shah Badizade <sup>2</sup>, Javad Mehraban <sup>3</sup>

, Ph.D. student of Persian literature majoring in lyrical literature, Mashhad Branch, Islamic Azad University <sup>1</sup>  
Mashhad, Iran

Member of the Central Council of the Association of Iranian Islamic Academicians of Khorasan Razavi and <sup>2\*</sup>  
(Mashhad Provinces). (Responsible Author

Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Mashhad Branch, Islamic Azad<sup>3</sup>  
University, Mashhad, Iran

Corresponding author: [Mohammad.shahBadizadeh@gmail.com](mailto: Mohammad.shahBadizadeh@gmail.com)

**Abstract:**

*Persian literature, with its great treasure of poems and prose texts, can play a very effective role in the education of students. By reading poets' poems and moral and educational prose texts, due to the sweetness and tenderness of these works, students become very familiar with them, and the moral lessons and messages they learn in the form of poetry and prose are imprinted in their memory. And it makes them benefit from it in the present life and in the future. Undoubtedly, the correct and comprehensive writing of the literature book can play a significant role in the education of students. The present essay, which is done in a descriptive-analytical way based on library studies and document analysis, aims to provide a brief overview of the background of education and treatise in ancient Persian educational literature texts, to criticize and analyze these themes in Persian books of the first period. Middle school means 7th grade. The results of the research indicate that in the 7th Persian book, there is no space for the poems of poets and prose texts of many authors, and the lack of poems of Mokhtaf poets is felt in it. Another point is that in the chapter of names and memories, instead of dealing with the lives of political and social figures, it would have been better to introduce famous poets and writers of Persian literature so that the students could get to know them more.*

**Keywords:** *Persian literature. Ethical. Persian books for the first year of high school. Educational texts. Review and Analysis.*